

اثر بخشی آموزش های کارآفرینی و روانشناختی بر توانمندسازی
شهروندان*

The Effectiveness of Entrepreneurship and Psychological
Trainings on the Citizens' Empowerment

Shahnaz Tabatabaei, Ph.D.
E-mail: tabshahnaz@yahoo.com
Fariba Ravaei, M.A.

دکتر شهناز طباطبایی^۱: استادیار دانشکده سلامت، ایمنی و محیط
زیست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
فربیا روائی: کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه الزهراء (س).

Abstract: The aim of the paper was to study the effectiveness of entrepreneurship and psychological trainings on the empowerment (personal, social, economical) of educated women who had not skill, job and residing in the fourth region of Tehran Municipality. This research is quasi-experimental. The statistical populations were the whole women who were in the age range of 20-55 years, had completed high school education or above, without skill, job and lived in the fourth region of Tehran Municipality. 150 persons who obtained lowest scores in job preparation, entrepreneurship, social and life skills questionnaires were randomly selected as a sample group (100 persons were as a experimental group and another 50 persons considered as a control group). Five questionnaires were used as research instruments: personal information, job preparation, life and social skills, entrepreneurship tendencies and empowerment. For analyzing data, the model of ANCOVA was employed. The results showed that job preparation, entrepreneurship, life and social skills trainings had positive effects on the empowerment of educated woman citizens.

Keywords: entrepreneurship, psychological trainings, empowerment, woman citizens, Municipality, job preparation, life and social skills

چکیده: هدف این پژوهش توانمندسازی (فردی، اجتماعی و اقتصادی) شهروندان زن باسواد، فاقد مهارت و شغل ساکن در حوزه تحت پوشش شهرداری است. پژوهش حاضر در حیطه تحقیقات شبه آزمایشی جای می گیرد. جامعه آماری پژوهش عبارتند از تمامی زنان دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر فاقد مهارت و شغل ساکن در منطقه چهار شهرداری تهران که در دامنه سنی ۲۰ تا ۵۵ سال قرار دارند. تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان گروه نمونه تحقیق در نظر گرفته شدند که ۱۰۰ نفر به عنوان گروه آزمایش تحت آموزش قرار گرفتند و ۵۰ نفر دیگر که از توانایی های فوق الذکر نیز برخوردار نبودند، تحت آموزش قرار نگرفتند و به عنوان گروه کنترل مورد بررسی قرار گرفتند. برای پاسخ به سؤالات پژوهش، از ۵ پرسشنامه تحت عناوین: اطلاعات فردی، آماده سازی شغلی، مهارت های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (کارآفرینی) و توانمندسازی استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده ها، مدل آماری ANCOVA نیز به کار گرفته شد. یافته ها نشان می دهند که آموزش های آماده سازی شغلی، مهارت های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (کارآفرینی) بر توانمندسازی شهروندان زن مؤثر است.

واژگان کلیدی: آموزش، کارآفرینی، روانشناختی، توانمندسازی، شهروندان زن، شهرداری، آماده سازی شغلی، مهارت زندگی، مهارت اجتماعی

مقدمه

برخورداری از زندگی سالم و با کیفیت، حقی است همگانی و توانمندسازی یکی از پیش‌شرط‌های تحقق توسعه‌ی پایدار در جوامع بشری به‌شمار می‌رود. توانمندسازی، اصطلاحی است که در طول چند سال اخیر، مقبولیت سریع و فزاینده‌ای داشته است و همچنین واژه‌ای است که در بحث‌های سیاسی مربوط به توانمندسازی افراد محروم ظاهر شده است. در واقع، مطالعات مربوط به توانمندسازی، ارتباط تنگاتنگی با بهبود مستمر، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود بر عملکرد زنان نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر، توانمندسازی به‌عنوان یک ایده‌ی متداول محسوب گردیده که به‌عنوان بخشی از زبان توسعه مطرح می‌شود و می‌تواند با بهبود عملکرد زنان، بقای آنان را تثبیت نماید (ورنر^۱، ۲۰۰۲).

توانمندسازی زنان به این معنی است که آن‌ها بر شرم بی‌مورد خود فایق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتمادبه‌نفس و اطمینان خاطر باشد و قدرت رویارویی با دشواری‌ها و سختی‌ها را داشته باشند و قادر به ارزیابی صحیح و شناخت دقیق باشند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود جهت نیل به هدف‌های خویش بهره‌مند گردند و با افزایش توانمندی خویش در ابعاد مختلف به اهداف مورد نظر برسند (فرخی راستابی، ۱۳۸۲).

مرکز امور مشارکت زنان سابق^۲ و صندوق حمایت از مادران و کودکان سازمان ملل (۱۳۷۲) در تعریف توانمندسازی می‌گوید: توانمندسازی به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می‌شود. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین الزامات برای ورود زنان به بازار کار، داشتن اعتماد به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود، آمادگی فردی و شغلی و برخورداری از مهارت کسب و کار و خلاقیت و نوآوری است. به‌کارگیری آموزش، تقویت قدرت استدلال و هدایت‌های مستقیم و غیرمستقیم، از جمله راهکارهایی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان سلامت عمومی، خویشتن‌پنداری مثبت، عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس را برای آنان به ارمغان آورد.

از آنجا که مهارت‌های کسب و کار نیروی هدایت‌کننده‌ای برای بنیان‌گذاری ایده‌های تجاری، بسیج نیروهای انسانی، فعال‌سازی منابع مالی و فیزیکی، ایجاد و توسعه‌ی بنگاه‌های تجاری و اشتغال‌زایی است، در تمامی کشورها، پهنه‌ی وسیعی از مشاغل به وسیله‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش خصوصی ایجاد شده است. هدف عمده‌ی این‌گونه تجارت‌ها یا کسب‌وکارها، کمک

1- Werner

۲- «مرکز امور مشارکت زنان سابق» که نام آن به «مرکز امور زنان و خانواده» تغییر یافته است.

به ایجاد مشاغل است (سازمان بین‌المللی کار^۱، ۲۰۰۸).

اهمیت پژوهش حاضر به عواملی چون جمعیت زیاد زنان ایرانی که نزدیک به نیمی از کل جمعیت کشور را دربر می‌گیرد، آسیب‌پذیری آنان، افزایش خانوارهای زن‌سرپرست (از ۱۰۳۶۰۰۰ به ۱۴۴۶۲۲۳ نفر مطابق گزارش مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵) برمی‌گردد. عوامل فوق اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان را در راستای اهداف توسعه در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور ضروری می‌سازد.

از آنجا که نقش زنان در تولید ملی و توسعه‌ی اقتصادی کشور کاملاً مشخص و روشن است ولی در بسیاری از عرصه‌های قانونی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زمینه‌ای جدی برای توسعه‌ی دانش و مهارت زنان مهیا نگردیده و در عین حال، نسبت به رفع موانع در زمینه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، راهنمایی و مشاوره شغلی، مهارت‌های اجتماعی و کسب و کار، سیاست‌گذاری خاص و منسجمی مشاهده نمی‌شود (صابر، ۱۳۸۱؛ طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۳؛ طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۴؛ طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۸). انجام پژوهش در این زمینه می‌تواند کمک به بیان مشکلات زنان، بررسی علل بروز این مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب نماید.

مطالعات نشان می‌دهند، در میان علایق مختلفی که زنان (اعم از سالم و معلول؛ سرپرست و غیرسرپرست) دارند، دسترسی به کار و اشتغال از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. بیکاری به‌عنوان تهدیدی برای امنیت اقتصادی و استقلال اجتماعی زنان به شمار می‌آید (بلایندر، ۱۹۸۷؛ آیمن، ۱۹۹۵؛ جانسون، ۱۹۹۷). از سوی دیگر، اشتغال اثرات مثبتی بر رفتار تمامی افراد بشر، به‌ویژه زنان دارد. در واقع داشتن شغل، درآمد، پذیرش و ایفای نقش اجتماعی، فرهنگی یا علمی می‌تواند به‌عنوان گامی در جهت رشد هویت فردی، اعتماد به‌نفس، عزت‌نفس، بهداشت روانی، هویت شغلی و استفاده بهینه از مهارت‌ها و تخصص‌ها و توسعه تعاملات اجتماعی در میان زنان محسوب شود (طباطبایی، ۲۰۰۳).

مطالعات مختلف بیانگر آن است که از طریق آماده سازی شغلی و راهنمایی حرفه ای به افراد کمک می‌شود تا پس از بررسی مشاغل و شناسایی خصوصیات فردی خویش، درباره ی شغل موردنظر خود تصمیم گیری نمایند. ولی قبل از هر چیز گذراندن دوره های آموزشی موردنیاز برای انجام کارهای مختلف (کسب فرصت‌های شغلی)، ضروری است. نظریه ی ساندرسون^۲

1- International Labour Organization

2- Sanderson

(۱۹۵۴) در زمینه ی راهنمایی شغلی و حرفه ای اشاره می‌نماید که راهنمایی شغلی و حرفه ای اولاً جریانی پیوسته و مداوم است، ثانیاً بر تمام جنبه های شخصیت و شناسایی کامل فرد تأکید می نماید. به عبارت دیگر، بررسی جنبه های رشد فردی، طرز تلقی ها، احساسات، نگرانی های حاصل از نامناسب بودن کار، سپس رضایت شغلی و امنیت کار از مهم ترین عوامل مورد توجه در برنامه های آماده سازی و اطلاع رسانی شغلی و حرفه ای است. همچنین جنکینز^۱، نظریه ای را مبتنی بر خودآگاهی شغلی مطرح می کند. وی معتقد است که خودآگاهی شغلی، زمینه ای است برای آماده سازی شغلی؛ در واقع خودآگاهی شغلی، زمینه ساز آماده سازی شغلی می باشد. ضروری است مطرح شود که جنکینز، دستیابی به آمادگی شغلی را در یک محور عنوان می کند که یکسر محور به خودشناسی، خودسازی و خودآگاهی ختم می شود و سر دیگر محور، مهارت‌های شغلی را در بر می گیرد. از این رو، فردی که به خودشناسی دست یافته است، می تواند با بررسی نقاط ضعف و قوت خویش، به راحتی خودسازی را صورت داده و به خودآگاهی برسد. خودآگاهی شرط آماده سازی شغلی است.

در ایران شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که توسعه مهارت‌های کسب و کار می‌تواند فرصت مناسبی برای مواجهه با بحران‌های موجود، اشتغال‌زایی، افزایش قابلیت‌های تولیدی و خدماتی را فراهم سازد. در دنیای کنونی، نقش آماده‌سازی فردی و شغلی و مهارت‌های کسب و کار پررنگ‌تر شده و ارتباط تنگاتنگی با فرآیند جویندگی کار و بهبود وضعیت اشتغال در کشور دارد. بنابراین، توسعه مهارت‌های کسب و کار و آماده‌سازی شغلی برای توانمندسازی زنان جویای کار، ضروری است.

از میان مهارت‌ها، مهارت‌های زندگی یکی از آموزش‌های مؤثر در زمینه آگاه‌سازی افراد بشمار می‌رود و به تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی، در مطالعات مختلف تأکید شده است. پیت من^۲ مهارت‌های زندگی را بعنوان توانایی‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها، و رفتارهایی تعریف کرده است که جهت شادمانی و موفقیت در زندگی آموخته می شوند. این مهارت‌ها انسان را قادر می سازند تا با موقعیت‌های زندگی سازگاری یابند و به آنها تسلط داشته باشند. از طریق رشد این مهارت‌ها افراد یاد می گیرند که به راحتی با دیگران زندگی کنند و احساس خود را با امنیت خاطر بیان کنند و زندگی را دوست داشته باشند (پیت من، ۱۹۹۱). مؤسسه بریتانیایی تکید^۳ و «سلبی» (۲۰۰۰) می گویند:

1 - Tomas Jenkinz

2- Pittman

3- Tacade.

هدف از آموزش مهارت‌های زندگی افزایش توانایی‌های روانی - اجتماعی است؛ آن مهارت‌هایی که فرد را در اداره مؤثر نیازها، سختی‌ها، خطرهای و فشارهای زندگی روزانه توانا می‌سازد (صافی، ۱۳۷۹). برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بیشتر بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بنا شده است (سازمان بهداشت جهانی ۱۹۹۴). بر اساس این نظریه، یادگیری فرایند فعال و مبتنی بر فعالیت یادگیرنده است که از طریق مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن حاصل شده است. آلبرت بندورا معرف این نظریه، معتقد است انسان موجودی اجتماعی است و رفتار او باید در پرتو روابط اجتماعی بررسی شود.

از دیگر آموزش‌ها، مهارت‌های اجتماعی است که بر اساس تعریف گرشام و الیوت (۱۹۹۳) رفتارهای مقبولى هستند که افراد را قادر می‌سازند به طور مؤثری با دیگران تعامل داشته و از پاسخ‌های غیرقابل قبول اجتماعی اجتناب نمایند (هارجی و همکاران، ۱۹۹۵).

میکلسون و همکاران (۱۹۸۳؛ به نقل از هارجی و همکاران، ۱۹۹۵) با بررسی ۱۶ تعریف انجام شده درباره مهارت‌های اجتماعی، مؤلفه‌های مشترک آن تعاریف را به شرح ذیل مطرح نمودند:

۱- مهارت‌های اجتماعی، مقدماتاً از طریق شیوه‌های یادگیری اجتماعی - شناختی (مثل مشاهده، الگوگیری، مرور ذهنی و بازخورد) به دست می‌آیند.

۲- موجب بالا رفتن احتمال تقویت اجتماعی از سوی محیط اجتماعی می‌گردند.

۳- شامل رفتارهای مشخص و متمایز کلامی و غیر کلامی می‌گردند.

۴- از سویی شامل شروع ارتباط و از سویی دیگر پاسخ مؤثر و مناسب به درخواست ارتباط اجتماعی از سمت دیگران است.

۵- نتایج تعامل با محیط بوده و شامل پاسخ مناسب و مؤثر ارتباط با دیگران می‌شود.

۶- بوسیله ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان مثل سن، جنس، میزان نفوذ، اعتبار فرد و محیطی که ارتباطات در آن روی می‌دهند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مفهوم مهارت‌های کسب و کار، در جوامع مختلف با خصلت‌های فرهنگی و رفتاری گوناگون، تنوع زیادی دارد (احمدپور داریانی، ۱۳۸۰). با این نگرش، افزایش مهارت‌های کسب و کار زنان باسواد و فاقد مهارت، که به‌طور مداوم با مشکلات زندگی مواجه می‌شوند و می‌بایست بار سنگین مشکلات و مصائب را خود، به تنهایی بر دوش کشند، ضروری است. باید به افراد آموزش داده شود تا در برخورد با چالش‌های زندگی، چگونه مسائل را حل کنند و چگونه به خود و ذهن خود اعتماد کنند و از خودباوری کافی برخوردار گردند تا بتوانند به باور «خود توانمندی» و «حرمت‌نفس» که

دو عنصر اساسی عزت‌نفس و از ویژگی‌های مهم کارآفرینی هستند، دست یابند (بیابانگرد، ۱۳۷۳). در آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی، به گروه هدف فرصت داده می‌شود تا علاوه بر شناسایی توانایی‌ها، قابلیت‌ها و علایق خود (جهت رسیدن به خودآگاهی)، اطلاعاتی در زمینه مشاغل و فعالیت‌های مورد علاقه خود، به صورت هدفمند به دست آورند و سپس در راستای ورود به بازار کار از آن بهره‌مند شوند. در عین حال، آماده‌سازی شغلی و کارآفرینی به گروه برخوردار از آموزش‌ها کمک می‌کند تا براساس اطلاعات فراهم شده توسط آموزش‌دهنده بتوانند تصمیم مناسبی برای آینده‌ی شغلی خود بگیرند.

بنابراین، به منظور توانمندسازی زنان باسواد و فاقد مهارت، می‌بایست شیوه‌هایی را برای کشف شایستگی افراد به منظور توسعه‌ی توانمندی‌ها و به حداکثر رساندن فرصت‌ها ایجاد نمود که در این میان بنظر می‌رسد آموزش‌های روانشناختی (آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی و اجتماعی) و مهارت‌های کارآفرینی (کسب و کار) جهت توانمندسازی زنان باسواد و فاقد مهارت، بی‌تأثیر نیست. بمنظور نشان دادن اهمیت و ضرورت پژوهش و ارائه گواهی‌های بیشتر در این زمینه، پژوهش‌هایی را که در ارتباط با متغیرهای مورد مطالعه (آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی، کسب و کار و توانمندسازی) در ایران و برخی از کشورهای جهان انجام شده به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۳)، در یک بررسی از تأثیر آموزش آماده‌سازی شغلی بر مهارت کسب و کار زنان سرپرست‌خانوار تحت پوشش یک سازمان غیردولتی نتیجه‌گیری کردند که این آموزش‌ها، نقش مؤثری بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی آنها در فراگیری مهارت‌های کسب و کار برجای می‌گذارند و پیامدهای عدم آرایه آموزش‌های آماده‌سازی شغلی به جویندگان کار، منجر به کمبود مهارت‌های کسب و کار در آنها شده که برای از بین بردن و یا به حداقل رساندن این پیامدهای منفی، باید راه‌کارهای مؤثر و مناسبی را به کار گرفت و مهارت‌های کسب و کار آنان را به همراه آموزش‌های آماده‌سازی شغلی افزایش داد.

طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۴)، در پژوهشی به بررسی «اثرات آموزش‌های آگاه‌سازی فردی و شغلی و کارآفرینی بر خودباوری و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست‌خانواده شهر تهران» با ملاحظه بر شرایط اشتغال، تحصیلات و نوع سرپرستی آنها با رویکرد توانمندسازی پرداختند. نتایج تحقیقات آنها نشان می‌دهد که آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی دو عامل مهم و اثرگذار بر خودباوری و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست‌خانوار می‌باشند.

در تحقیقی که توسط آقاجانی (۱۳۸۱) با عنوان بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان، انجام گردید، نشان می‌دهد که دانش آموزان دختر دبیرستانی پس از دریافت آموزش، بالاترین نمره را در آزمون سلامت عمومی گلدبرگ و منبع کنترل به دست آوردند. آموزش مهارت های زندگی، در برنامه های گوناگون مؤثر و مفید بوده است. شادی طلب (۱۳۸۱) در کتاب خود تحت عنوان «توسعه و چالش های زنان ایران» به اهمیت آموزش زنان در برخورد با نظام برنامه ریزی برای مسائل زنان پرداخته و معتقد است که آموزش زنان در هر زمینه می‌تواند به آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به هزینه و درآمد خود، اتخاذ اقدامات جهت تضمین دسترسی به ساختارهای قدرت و مشارکت در تصمیم‌گیری و رهبری کمک نماید و بالاخره، او معتقد است که آموزش زنان برای آن‌ها فرصت شغلی ایجاد کرده و در توانمندسازی آن‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کند.

صدر و همکاران (۱۳۸۲)، طرحی تحت عنوان «توانمندسازی زنان با تکیه بر برنامه رابطین بهداشت» را در سطح ۱۰ شهرستان استان اصفهان انجام دادند. یافته‌های این طرح نشان می‌دهد که این پروژه توانسته است نیازهای آموزشی ۶۴۵ رابط بهداشتی را بررسی نموده و ۴۰۰ نفر از رابطان بهداشتی را آموزش دهد و در جریان آموزش‌ها ۱۳ رشته آموزشی اعم از کامپیوتر، خطاطی، گلسازی، عروسک‌سازی، آرایش و پیرایش، پرورش قارچ خوراکی را به رابطان بیاموزد.

در زمینه‌ی ارتباط مهارت‌های کسب و کار با توانمندسازی نیز تحقیقات فراوانی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به تحقیق طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۸)، اشاره نمود. یکی از عوامل مؤثر در زمینه‌ی مشارکت افراد، ارزیابی و پرورش احساس عزت نفس، افزایش مهارت‌های فردی، اجتماعی و شغلی، توانمندی‌های بالقوه و نگرش مثبت نسبت به خود و محیط اطراف خود و در نهایت از انگیزه‌های قوی برای کار، تلاش، کارآفرینی، بازدهی و عملکرد مناسب و در نهایت توانمندی می‌باشد. از این‌رو، از عوامل مؤثر بر توانمندسازی، می‌توان به آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار اشاره نمود.

نتایج یک طرح تحقیقاتی تحت عنوان: «توانمندسازی اقتصادی افراد» در اوکراین نشان می‌دهد که: خدمات راهنمایی شغلی و حرفه‌ای به ۳۵۰۵ نفر مراجع، ۵۳۴ نفر فارغ التحصیل آموزش دیده‌ی زن ارائه شده است. علاوه بر این، ۱۶۴ نفر از مؤسسه کارآفرینی زنان که جدیداً تأسیس شده، توانسته ۲۵۰ شغل ایجاد کنند. این طرح، در ارتباط با یک برنامه‌ی حمایتی نیز فعالیت می‌کند که این برنامه‌ی حمایتی برای ایجاد «آمادگی عمومی همگان» ارایه شده و به مردم می‌آموزد برای حقوق خود اقدام کنند. نتایج حاصل از این برنامه‌ها برای عموم مردم به‌ویژه زنان مفید و مؤثر است. بعلاوه،

برنامه‌ی حمایتی مذکور، از طریق همکاری با سازمان‌ها، برای تغییر سیاست‌گذاری‌ها در سطح محلی و ملی کار می‌کند (گوپالو، ۲۰۰۲).

بوکالایف (۲۰۰۸)، در پروژه تحقیقاتی خود تحت عنوان «حمایت از خدمات توسعه کسب و کار» گزارش می‌کند، زنان جوان ترجیح می‌دهند به جای کار کردن در خانه، در گروه‌های خارج از منزل کار کنند. دلیل این موضوع این است که کار کردن در خارج از منزل به آنها فرصتی برای اجتماعی شدن می‌دهد و می‌توانند از وظایف متداول و اضافی که باید در منزل انجام دهند، اجتناب ورزند. او نتیجه‌گیری می‌کند که حمایت از خدماتی که کسب و کار را در میان افراد (به‌ویژه زنان) توسعه می‌دهد، ضروری است و ترویج و توسعه کسب و کار در میان زنان جوان به فرآیند اجتماعی شدن آنها کمک می‌کند.

بارون و تانگ (۲۰۰۹) در تحقیق خود در زمینه «مهارت‌های اجتماعی کارآفرینی و عملکردهای کارآفرینانه جدید» نتیجه‌گیری می‌کنند که مهارت‌های اجتماعی متعددی نظیر ادراک اجتماعی و ابراز خود، به‌طور معناداری با میزان عملکردهای کارآفرینانه جدید، ارتباط دارند.

شفر (۲۰۱۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «کارآفرینی چندسطحی با رویکرد فرصت‌هایی برای مطالعه تصمیم‌گیری‌های کارآفرینانه»، تلاش دارد بنیان پژوهش چندسطحی در زمینه تصمیم‌گیری را در یک محتوای کارآفرینانه ایجاد نماید و فرصت‌های پژوهشی آتی را کشف کند. پژوهش او، به‌طور خاص: (الف) چگونگی تصمیم‌گیری افراد را در زمینه وظایف کارآفرینانه‌شان، (ب) امکانات اضافی برای پژوهش‌های بین‌سطحی با تکیه بر پراکندگی شیوه‌های تصمیم‌گیری بر مبنای تفاوت‌های فردی بررسی می‌کند. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری افراد علاوه بر اینکه با ویژگی‌های شخصیتی آنها در ارتباط است، با موقعیت کسب و کار آنها نیز رابطه‌ی تنگاتنگی دارد.

بلوم و همکاران (۲۰۱۰)، در مطالعه فراتحلیلی خود بر روی ۸۹ تحقیق کاربردی، تحت عنوان «انتقال آموزش» اثر عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ای چون ویژگی‌های آموزش‌گیرندگان، محیط کار و مداخلات آموزشی را بر انتقال آموزش در وظایف متفاوت مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان‌دهنده‌ی وجود ارتباط مثبت بین انتقال آموزش و پیش‌بینی‌کننده‌هایی نظیر توانایی شناختی، هوشیاری، انگیزش و محیط کار حمایت‌کننده است. به‌ویژه متغیرهایی چون انگیزش و محیط کار ارتباط بیشتری با انتقال آموزش نشان دادند، به‌خصوص هنگامی که آموزش‌ها به‌طور باز توسط آموزش‌دهنده مدیریت و رهبری شود و نه به صورت بسته و مبتنی بر نرم‌افزارهای کامپیوتری ارائه گردد.

سؤال های پژوهش

سؤالات پژوهش حاضر به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

۱. آیا آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی بر آماده‌سازی شغلی زنان تأثیر دارد؟
۲. آیا آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی بر مهارت‌های زندگی و اجتماعی زنان مؤثر است؟
۳. آیا آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی بر تمایلات کارآفرینی زنان تأثیر دارد؟
۴. آیا آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی بر توانمندسازی زنان مؤثر است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر در حیطه تحقیقات شبه آزمایشی است و از طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل برای بررسی اثربخشی آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (کارآفرینی) بر توانمندسازی (فردی، اجتماعی و اقتصادی) زنان باسواد، فاقد مهارت و شغل ساکن در محدوده شهرداری منطقه چهار تهران استفاده شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر تمامی زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله، باسواد (دیپلم و بالاتر)، فاقد مهارت و شغل ساکن در محدوده شهرداری منطقه چهار تهران در سال ۱۳۸۸ را دربر می‌گیرد. حجم گروه نمونه اولیه، ۷۵۰ نفر بود که فرم اولیه اطلاعات فردی را تکمیل کرده بودند، از میان آنها ۵۵۰ نفر با توجه به نواحی نه گانه شهرداری منطقه چهار تهران به‌صورت طبقه‌ای و به‌طور تصادفی انتخاب شدند. پس از انجام پیش‌آزمون، تعداد ۱۵۰ نفر که نمرات پایین‌تر از میانگین بدست آوردند به‌عنوان گروه نمونه تحقیق در نظر گرفته شدند که ۱۰۰ نفر به‌عنوان گروه آزمایش تحت آموزش بودند و ۵۰ نفر دیگر که تحت آموزش قرار نگرفتند به‌عنوان گروه کنترل مورد بررسی قرار گرفتند.

شیوه اجرا

در این پژوهش، برنامه آموزشی شامل آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (کارآفرینی) بود که به ترتیب به مدت ۸ ساعت، ۱۶ ساعت، ۱۶ ساعت، ۳۶ ساعت و جمعاً به مدت ۷۶ ساعت برای کل گروه نمونه (۱۰۰ نفر) به مدت چهار هفته به‌صورت فشرده از ساعت ۸

صبح تا ۱۲ ظهر (با احتساب ۲۰ دقیقه استراحت در فواصل کلاس‌های آموزشی) در مراکز آموزشی و سراهای محله شهرداری منطقه چهار تهران در قالب ۴ کارگاه آموزشی به‌طور همزمان تشکیل گردید. پرسشنامه‌ها، در دو نوبت پیش و پس از برنامه آموزش در اختیار گروه‌های نمونه (آزمایش و کنترل) قرار گرفت و پس از تکمیل آنها توسط آزمودنی‌ها، تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

در این پژوهش از ۵ پرسشنامه استفاده شده است.

- پرسشنامه اطلاعات فردی - شغلی: این پرسشنامه توسط پژوهشگر جهت کسب اطلاعات جمعیت‌شناسی گروه‌های نمونه تهیه شده است. پرسشنامه‌ی مذکور حاوی ۱۴ سؤال است که ۶ سؤال آن نظیر: سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، نوع شغل، شرایط آموزش فنی و حرفه‌ای و ۸ سؤال آن درباره‌ی آگاهی آزمودنی‌ها از اطلاعات بازار کار، قانون کار، دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، چگونگی شرح حال نویسی، نامه‌نگاری، مصاحبه‌ی شغلی، کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار است.

- پرسشنامه آماده‌سازی شغلی: این پرسشنامه پژوهشگر ساخته است و شامل ۲۵ سؤال ۵ گزینه‌ای (لیکرت) می‌باشد که به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه از ۵ متخصص در این زمینه نظرسنجی به‌عمل آمده و پس از تأیید متخصصین و خبرگان در حیطه آماده‌سازی شغلی، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه تأیید گردید. به‌منظور تعیین نمودن ضریب اعتبار پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ (میزان ۰/۸۲) استفاده به عمل آمد.

- پرسشنامه مهارت‌های زندگی و اجتماعی: این پرسشنامه افراد را از نظر مهارت‌های زندگی و اجتماعی ارزیابی می‌کند و شامل ۱۴۴ سؤال و دارای ۲۰ زیرمقیاس است که در این پژوهش ۱۹ زیرمقیاس مورد استفاده قرار گرفت. این زیرمقیاس‌ها عبارتند از: (۱) مهارت‌های خودآگاهی، (۲) داشتن هدف در زندگی، (۳) مهارت‌های ارتباط انسانی، (۴) روابط بین‌فردی، (۵) تصمیم‌گیری، (۶) بهداشت و سلامت روانی، (۷) بهداشت و سلامت جسمی، (۸) مهارت‌های حل مسئله، (۹) مهارت‌های مشارکت و همکاری، (۱۰) تفکر خلاق، (۱۱) تفکر انتقادی، (۱۲) نشان دادن مسئولیت‌های فردی، (۱۳) درک و ارتقای اصول آزادی، عدالت و تساوی، (۱۴) شرکت در فعالیتهایی که منافع را بهبود می‌بخشد، (۱۵) نشان دادن رفتارهای اجتماعی، (۱۶) شهروند جهانی شدن، (۱۷) مهارت‌های حرفه‌ای، (۱۸) مهارت‌های ایمنی، (۱۹) مهارت‌های استفاده از تکنولوژی

اطلاعات و ۲۰) مهارت والدینی. لازم به ذکر است که سؤالات زیرمقیاس مهارت والدینی از این پرسشنامه در این پژوهش حذف شد. ضریب اعتبار این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و روایی آن نیز از سوی ۵ نفر متخصص و روانسنج مورد تأیید قرار گرفت.

- پرسشنامه مهارت‌های کسب و کار (کارآفرینی): این پرسشنامه افراد را از نظر مهارت کسب و کار ارزیابی می‌نماید و به آنها اجازه می‌دهد نقاط مثبت و منفی خود را بهتر بشناسند. این پرسشنامه مشتمل بر چهار بخش است: الف) انگیزه‌ی پیشرفت، ب) ارزیابی عادات کاری، ج) ارزیابی گرایش‌های کارآفرینی، د) تمایلات کسب و کار. طباطبایی (۱۳۸۴)، ضریب اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ محاسبه کرد. ضریب پایایی این تست از طریق بازآزمایی مجدد با فاصله زمانی دو ماه برابر ۰/۸۱ است. لازم به ذکر است روایی پرسشنامه‌ی مزبور نیز توسط سازنده آن، احمد پورداریانی (۱۳۸۰) و چند تن از متخصصان و صاحب‌نظران مورد بررسی و محاسبه قرار گرفته و شواهد حاکی از آن است که پرسشنامه‌ی مزبور وسیله‌ای پایا، معتبر و روا برای ارزیابی تمایلات کارآفرینی افراد ایرانی است. در تحقیق حاضر نیز روایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب اعتبار کودر- ریچاردسون ۰/۸۳ محاسبه شده است.

- پرسشنامه توانمندسازی: شامل ۲۰ سؤال بوده که با طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم)، اندازه‌گیری می‌شود و شامل ۴ خرده‌مقیاس تحت عناوین: الف) بهبود مستمر بر عملکرد، ب) ارتقاء صلاحیت حرفه‌ای، ج) تغییر در رفتار و د) بهبود در عناصر است. در حیطه روایی این پرسشنامه پژوهشگر ساخته توسط ۵ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت. اعتبار این پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌های تحقیق به صورت مقدماتی^۱ اجرا شد و سپس با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و روش آلفای کرونباخ^۲، ضریب اعتبار آن ۰/۸۷ بدست آمد که در حد مطلوب می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به اینکه در این تحقیق، بررسی اثرات آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (کارآفرینی) بر توانمندسازی (فردی، اجتماعی و اقتصادی) زنان باسواد، فاقد مهارت و شغل مدنظر می‌باشد. با توجه به اعمال متغیرهای مستقل تحت عناوین آموزش‌های آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (کارآفرینی) در دو گروه (کنترل و آزمایش)، از اهداف تحقیق

1 - Pilot
2 - Cronbach Alpha

حاضر می‌باشد، همچنین، پنج متغیر وابسته تحت عناوین اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی و کسب و کار (در چهار حیطه انگیزه پیشرفت، ارزیابی عادات کار، ارزیابی گرایش‌های کارآفرینی و تمایلات کسب و کار) و توانمندسازی در سه حیطه (فردی، اجتماعی و اقتصادی) سروکار داشته و یک متغیر پیش‌آزمون نیز پیش‌رو است، از مدل آماری ANCOVA استفاده به عمل آمده است.

یافته‌های پژوهش

به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (دموگرافیکی) گروه‌های نمونه تحقیق (آزمایش و کنترل) به اختصار اشاره می‌شود. اکثریت گروه نمونه تحقیق در گروه آزمایش ۳۳/۷٪ زیر ۳۰-۲۵ سال و مابقی در دامنه سنی ۳۰-۵۵ سال قرار می‌گیرند، در این گروه ۵۳/۷٪ دارای تحصیلات دیپلم و بقیه در سطح فوق دیپلم و لیسانس می‌باشند، ۸۹/۱٪ متأهل و بقیه مجرد، همچنین ۹۱/۱٪ بیکار و بقیه اشتغال به کار موقت دارند، ۹۰٪ این گروه دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای را گذرانده و ۱۰٪ مابقی دوره‌های آموزشی کوتاهی را که منجر به اخذ مدرک نشده را گذرانده‌اند. اکثریت گروه کنترل ۵۳/۳٪ زیر ۲۵ سال، ۴۰/۳٪ در دامنه سنی ۳۰-۲۵ سال و مابقی بین ۳۰-۵۵ سال قرار دارند، ۵۷٪ این گروه دیپلم و بقیه فوق دیپلم و لیسانس هستند، همچنین ۵۷/۴٪ مجرد و ۴۲/۶٪ متأهل می‌باشند، از میان آنها ۹۱/۷٪ بیکار و ۸/۳٪ شاغل به صورت موقت بوده و ۸۰٪ آموزش‌های فنی حرفه‌ای را گذرانده و ۲۰٪ این آموزش‌ها را گذرانده که منجر به اخذ مدرک نشده‌اند.

جدول ۱- تحلیل کواریانس یکطرفه مرتبط با بررسی اثرات آموزش بر «آماده‌سازی شغلی» زنان باسواد و فاقد مهارت

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۴۱۷/۷۰	۱	۴۱۷/۷۰	۱/۲۰	۰/۲۷۶
گروه	۶۷۳۳/۱۱	۱	۶۷۳۳/۱۱	۱۹/۳۳	۰/۰۰۱
خطا	۳۲۷۲۹/۹۸	۹۴	۳۴۸/۱۹		
کل	۴۱۴۶۹۳	۹۷			

با توجه به جدول فوق، ارتباط معنا داری بین متغیر وابسته (آماده سازی شغلی) و متغیر همپراش (پیش آزمون)، در سطح ($\alpha=0/05$) وجود ندارد. بنابراین، با توجه به اینکه اثر معنا دار متغیر پیش آزمون، مورد همپراش قرار نگرفته است و به عنوان متغیر کنترل عنوان می شود، می توان به اثرات متغیر آزمایشی با عنوان منبع تغییرات گروه، تأکید نمود. در نهایت، می توان مطرح نمود که آموزش بر «آماده سازی شغلی» مؤثر است.

جدول ۲- تحلیل کواریانس یکطرفه مرتبط با بررسی اثرات آموزش بر «مهارت های زندگی و اجتماعی» زنان باسواد و فاقد مهارت (باملاحظه بر زیرمقیاس ها)

زیرمقیاس ها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
(۱) مهارت خودآگاهی	پیش آزمون	۹۱۲/۰۹	۱	۹۱۲/۰۹	۱۳/۸۳	۰/۰۰۱
	گروه	۱۸۴۴/۹۴	۱	۱۸۴۴/۹۴	۲۷/۹۷	۰/۰۰۱
	خطا	۷۹۱۳/۳۰	۱۲۰	۶۵/۹۴		
	کل	۴۰۷۴۰۵	۱۲۳			
(۲) داشتن هدف در زندگی	پیش آزمون	۱۰۵/۷۵	۱	۱۰۵/۷۵	۷/۹۱	۰/۰۰۶
	گروه	۱۲۰/۰۳	۱	۱۲۰/۰۳	۸/۹۸	۰/۰۰۳
	خطا	۱۸۷۱/۰۳	۱۴۰	۱۳/۳۶		
	کل	۷۵۵۰۸	۱۴۳			
(۳) مهارت های ارتباط انسانی	پیش آزمون	۱/۱۷	۱	۱/۱۷	۰/۰۴	۰/۸۴۰
	گروه	۵۲/۹۴	۱	۵۲/۹۴	۱/۸۳	۰/۱۷۸
	خطا	۳۶۶۰/۸۵	۱۲۷	۲۸/۸۲		
	کل	۲۴۴۲۵۶	۱۳۰			
(۴) روابط بین فردی	پیش آزمون	۴۷/۶۵	۱	۴۷/۶۵	۱/۰۶	۰/۳۰۵
	گروه	۲۰۷/۴۸	۱	۲۰۷/۴۸	۴/۶۲	۰/۰۳۳
	خطا	۶۵۱۰/۸۵	۱۴۵	۴۴/۹۰		
	کل	۳۴۶۳۱۵	۱۴۸			

اثر بخشی آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی بر توانمندسازی شهروندان زن ساکن در محدوده شهرداری منطقه چهار تهران

(۵) تصمیم‌گیری	پیش‌آزمون	۳۵/۴۶	۱	۳۵/۴۶	۰/۱۷۴
	گروه	۷۷۴/۳۷	۱	۷۷۴/۳۷	۰/۰۰۱
	خطا	۱۷۴۱/۷۹	۹۲	۱۸/۹۳	
	کل	۸۸۴۷۳	۹۵		
(۶) بهداشت و سلامت روانی	پیش‌آزمون	۰/۰۱	۱	۰/۰۱	۰/۹۸۶
	گروه	۷۹/۰۹	۱	۷۹/۰۹	۰/۱۱۰
	خطا	۴۰۹۵/۵۰	۱۳۴	۳۰/۵۶	
	کل	۱۹۴۹۲۴	۱۳۷		
(۷) بهداشت و سلامت جسمی	پیش‌آزمون	۱۷۴/۳۵	۱	۱۷۴/۳۵	۰/۰۴۸
	گروه	۱۰۱/۷۴	۱	۱۰۱/۷۴	۰/۱۲۹
	خطا	۵۴۵۷/۳۱	۱۲۵	۴۳/۶۵	
	کل	۳۶۴۳۱۱	۱۲۸		
(۸) مهارت حل مسئله	پیش‌آزمون	۴۸/۰۵	۱	۴۸/۰۵	۰/۰۶۲
	گروه	۱۷۸/۰۱	۱	۱۷۸/۰۱	۰/۰۰۱
	خطا	۱۹۲۷/۲۷	۱۴۲	۱۳/۵۷	
	کل	۷۱۱۰۰	۱۴۵		
(۹) مهارت مشارکت و همکاری	پیش‌آزمون	۸۴/۷۹	۱	۸۴/۷۹	۰/۰۶۹
	گروه	۹۹/۳۲	۱	۹۹/۳۲	۰/۰۴۹
	خطا	۳۴۸۶/۴۸	۱۳۸	۲۵/۲۶	
	کل	۱۲۸۵۲۸	۱۴۱		
(۱۰) تفکر خلاق (خلاقیت)	پیش‌آزمون	۱۴/۱۶	۱	۱۴/۱۶	۰/۳۴۰
	گروه	۴۶۰/۰۴	۱	۴۶۰/۰۴	۰/۰۰۱
	خطا	۲۲۷۲/۸۱	۱۴۷	۱۵/۴۶	
	کل	۸۱۳۹۵	۱۵۰		
(۱۱) تفکر انتقادی	پیش‌آزمون	۱۷۳۳/۶۳	۱	۱۷۳۳/۶۳	۰/۰۰۱
	گروه	۱۵۰/۹۹	۱	۱۵۰/۹۹	۰/۰۳۲
	خطا	۴۵۳۸/۲۱	۱۴۱	۳۲/۱۸	
	کل	۱۹۴۹۵۵	۱۴۴		

۰/۷۸۷	۰/۰۷	۰/۵۲	۱	۰/۵۲	پیش آزمون	۱۲) نشان دادن مسئولیت‌های فردی
۰/۹۲۶	۰/۰۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	گروه	
		۷/۱۶	۱۴۷	۱۰۵۲/۸۱	خطا	
			۱۵۰	۳۸۵۳۱	کل	
۰/۰۰۱	۱۲/۶۷	۱۳۲/۴۳	۱	۱۳۲/۴۳	پیش آزمون	۱۳) درک و ارتقاء اصول آزادی، عدالت و تساوی
۰/۰۹۱	۲/۸۸	۳۰/۱۹	۱	۳۰/۱۹	گروه	
		۱۰/۴۵	۱۴۵	۱۵۱۵/۴۱	خطا	
			۱۴۸	۶۷۸۲۳	کل	
۰/۴۵۳	۰/۵۶	۱۱/۶۴	۱	۱۱/۶۴	پیش آزمون	۱۴) شرکت در فعالیتهایی که منافع را بهبود می‌بخشد
۰/۰۴۸	۳/۹۷	۸۱/۷۷	۱	۸۱/۷۷	گروه	
		۲۰/۵۸	۱۳۹	۲۸۶۰/۷۹	خطا	
			۱۴۲	۶۷۰۹۸	کل	
۰/۰۰۱	۲۷/۲۸	۲۰۶/۴۰	۱	۲۰۶/۴۰	پیش آزمون	۱۵) نشان دادن رفتارهای اجتماعی
۰/۱۹۰	۱/۷۳	۱۳/۰۸	۱	۱۳/۰۸	گروه	
		۷/۵۶	۱۴۷	۱۱۱۲/۱۱	خطا	
			۱۵۰	۶۳۲۵۴	کل	
۰/۰۰۱	۱۲/۹۲	۱۲۶/۷۷	۱	۱۲۶/۷۷	پیش آزمون	۱۶) شهروند جهانی شدن
۰/۰۰۱	۱۵/۶۲	۱۵۳/۳۳	۱	۱۵۳/۳۳	گروه	
		۹/۸۱	۱۲۹	۱۲۶۵/۵۸	خطا	
			۱۳۲	۴۷۷۶۰	کل	
۰/۰۰۲	۱۰/۱۹	۱۳۴/۲۴	۱	۱۳۴/۲۴	پیش آزمون	۱۷) مهارت‌های حرفه‌ای
۰/۰۰۱	۱۶/۱۶	۲۱۳/۸۲	۱	۲۱۳/۸۲	گروه	
		۱۳/۱۶	۱۳۱	۱۷۲۴/۹۰	خطا	
			۱۳۴	۴۴۹۵۰	کل	
۰/۴۵۵	۰/۵۶	۲/۶۶	۱	۲/۶۶	پیش آزمون	۱۸) مهارت‌های مربوط به رعایت و یکپارچگی نکات ایمنی
۰/۰۰۱	۱۶/۲۲	۷۷/۱۷	۱	۷۷/۱۷	گروه	
		۴/۷۵	۱۴۷	۶۹۹/۳۷	خطا	
			۱۵۰	۱۵۵۳۸	کل	
۰/۱۶۱	۱/۹۸	۴۳/۴۶	۱	۴۳/۴۶	پیش آزمون	۱۹) مهارت‌های استفاده از تکنولوژی اطلاعات
۰/۰۹۱	۲/۸۹	۶۳/۲۲	۱	۶۳/۲۲	گروه	
		۲۱/۸۷	۱۳۷	۲۹۹۶/۴۷	خطا	
			۱۴۰	۵۶۹۸۳	کل	

با توجه به میزان F در منبع تغییرات گروه که در راستای شناسایی اثرات برنامه آموزش بر «مهارت خودآگاهی»، «داشتن هدف در زندگی»، «مهارت‌های ارتباط انسانی»، «روابط بین‌فردی»، «تصمیم‌گیری»، «بهداشت و سلامت روانی»، «بهداشت و سلامت جسمی»، «مهارت حل مسأله»، «مهارت مشارکت و همکاری»، «تفکر خلاق (خلاقیت)»، «تفکر انتقادی»، «نشان دادن مسئولیت‌های فردی»، «درک و ارتقاء اصول آزادی، عدالت و تساوی»، «شرکت در فعالیتهایی که منافع را بهبود می‌بخشند»، «نشان دادن رفتارهای اجتماعی»، «شهروند جهانی شدن»، «مهارت‌های حرفه‌ای»، «مهارت‌های مربوط به رعایت و بکارگیری نکات ایمنی»، «مهارت‌های استفاده از تکنولوژی اطلاعات» می‌پردازد، می‌توان مطرح نمود که آموزش در «مهارت خودآگاهی»، «داشتن هدف در زندگی»، «روابط بین‌فردی»، «تصمیم‌گیری»، «مهارت حل مسأله»، «مهارت مشارکت و همکاری»، «تفکر خلاق (خلاقیت)»، «تفکر انتقادی»، «شرکت در فعالیتهایی که منافع را بهبود می‌بخشند»، «شهروند جهانی شدن»، «مهارت‌های حرفه‌ای» و «مهارت‌های مربوط به رعایت و بکارگیری نکات ایمنی» مؤثر است ولی در «مهارت‌های ارتباط انسانی»، «بهداشت و سلامت روانی»، «بهداشت و سلامت جسمی»، «نشان دادن مسئولیت‌های فردی»، «درک و ارتقاء اصول آزادی، عدالت و تساوی»، «نشان دادن رفتارهای اجتماعی» و «مهارت‌های استفاده از تکنولوژی اطلاعات» مؤثر نیست.

جدول ۳- تحلیل کواریانس یکطرفه مرتبط با بررسی اثرات آموزش بر «مهارت‌های زندگی و اجتماعی به‌طور کلی» زنان باسواد و فاقد مهارت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۸۴۴۳/۴۸	۱	۸۴۴۳/۴۸	۲/۱۴	۰/۱۵۱
گروه	۳۹۸۱/۳۴	۱	۳۹۸۱۳/۳۴	۱۰/۱۳	۰/۰۰۳
خطا	۱۴۵۳۸۴/۸۷	۱۳۷	۳۹۲۹/۳۲		
کل	۱۲۸۵۳۹۸۳	۱۴۰			

با توجه به جدول فوق، ارتباط معناداری بین متغیر وابسته (مهارت‌های زندگی و اجتماعی) و متغیر همپراش (پیش‌آزمون)، در سطح ($\alpha=0/05$) وجود ندارد. بنابراین، با توجه به اینکه اثر معنادار متغیر پیش‌آزمون، مورد همپراش قرار نگرفته است و به‌عنوان متغیر کنترل عنوان می‌شود، می‌توان به اثرات متغیر آزمایشی با عنوان منبع تغییرات گروه، تأکید نمود. در نهایت، می‌توان مطرح نمود که آموزش بر «مهارت‌های زندگی و اجتماعی» مؤثر است.

جدول ۴- تحلیل کواریانس یکطرفه مرتبط با بررسی اثرات آموزش بر «کارآفرینی» زنان باسواد و فاقد مهارت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۰/۱۷	۱	۰/۱۷	۰/۰۱	۰/۹۸۱
گروه	۳۵۹۵/۸۵	۱	۳۵۹۵/۸۵	۱۱/۸۷	۰/۰۰۱
خطا	۲۸۴۶۱/۳۶	۹۴	۳۰۲/۷۸		
کل	۱۱۸۳۴۰۲	۹۷			

با توجه به جدول فوق، ارتباط معناداری بین متغیر وابسته (کارآفرینی) و متغیر همپراش (پیش‌آزمون)، در سطح ($\alpha=0/05$) وجود ندارد. بنابراین، با توجه به اینکه اثر معنادار متغیر پیش‌آزمون، مورد همپراش قرار نگرفته است و به‌عنوان متغیر کنترل عنوان می‌شود، می‌توان به اثرات متغیر آزمایشی با عنوان منبع تغییرات گروه، تأکید نمود. در نهایت، می‌توان مطرح نمود که آموزش بر «کارآفرینی» مؤثر است.

جدول ۵- تحلیل کواریانس یکطرفه مرتبط با بررسی اثرات آموزش بر «توانمندسازی» زنان باسواد و فاقد مهارت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۴/۰۹	۱	۴/۰۹	۰/۰۴	۰/۸۴۲
گروه	۲۲۲۵/۴۳	۱	۲۲۲۵/۴۳	۲۱/۷۱	۰/۰۰۱
خطا	۱۱۸۸۷/۶۳	۱۱۶	۱۰۲/۴۸		
کل	۷۳۹۲۰۳	۱۱۹			

با توجه به جدول فوق، ارتباط معناداری بین متغیر وابسته (توانمندسازی) و متغیر همپراش (پیش‌آزمون)، در سطح $(\alpha = 0/05)$ وجود ندارد. بنابراین، با توجه به اینکه اثر معنادار متغیر پیش‌آزمون، مورد همپراش قرار نگرفته است و به‌عنوان متغیر کنترل عنوان می‌شود، می‌توان به اثرات متغیر آزمایشی با عنوان منبع تغییرات گروه، تأکید نمود. در نهایت، می‌توان مطرح نمود که آموزش بر «توانمندسازی» مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی در حیطه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی، به‌عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌هایی که می‌تواند زنان فاقد مهارت را توانمند نموده تا در راستای کسب مهارت، با تأکید بر علایق خود، گام بردارند و بتوانند به‌عنوان نیروهای انسانی توانمند در حوزه اشتغال مؤثر واقع شوند، به حساب می‌آید. تحقیق حاضر در راستای توانمندسازی شهروندان زن باسواد، فاقد مهارت و شغل ساکن در محدوده شهرداری منطقه چهار تهران انجام شده و با ارائه آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی درصدد است تا اثرات آموزش‌ها را بر آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی، کارآفرینی و توانمندسازی زنان نشان دهد. تحقیقات مختلف نشان می‌دهند، توانمندسازی یک ایده متداول محسوب گردیده که به‌عنوان بخشی از زبان توسعه نیروی انسانی، قادر است اشتغال‌زایی و کارآفرینی را منجر شده و با بهبود عملکرد افراد، به تثبیت نیروی انسانی کارآمد، یاری رساند (ورنر،

۲۰۰۲).

نتایج پژوهش حاضر در زمینه بهبود و ارتقای مهارت‌های زندگی و اجتماعی شهروندان زن پس از آموزش‌های ارائه شده، با پژوهش‌های انجام شده توسط، بوتوین و همکاران (۱۹۸۴ و ۱۹۸۰)، سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۴)، هارجی و همکاران (۱۹۹۵)، شاور و همکاران (۱۹۹۷)، پیت من (۱۹۹۱) و تکید^۱ (۱۹۹۰؛ به نقل از صافی، ۱۳۷۹) و آقاجانی (۱۳۸۱)، بوکالایف (۲۰۰۸)، بارون و تانگ (۲۰۰۹) و بلوم و همکاران (۲۰۱۰) که نشان‌دهنده تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش عزت‌نفس، بهبود مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات بین‌فردی، افزایش رفتارهای مثبت اجتماعی و سازگاری اجتماعی، افزایش رضایت سیستم خانوادگی و سازگاری با خانواده، افزایش مهارت حل مسائل شخصی و بین‌فردی و افزایش مهارت‌های مقابله‌ای است، مطابقت دارد.

علاوه‌براین، یافته‌های تحقیق حاضر با تحقیقات شادی طلب (۱۳۸۱)، پیرامون بررسی اثربخشی آموزش زنان بر توانمندسازی آنها جهت تصمیم‌گیری، حل مشکلات، مسائل و ایجاد فرصت‌های شغلی؛ فرخی راستابی (۱۳۸۲)، پیرامون توانمندسازی زنان برای مشارکت در امر توسعه و حذف باورهای سنتی؛ صدر و همکاران (۱۳۸۲)، پیرامون توانمندسازی زنان با تکیه بر برنامه رابطین بهداشت و در نتیجه ترویج، توسعه افزایش آگاهی از نیازها؛ طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۳)، پیرامون تأثیر آموزش آگاه‌سازی فردی و شغلی و کارآفرینی بر عزت نفس و تمایلات کارآفرینی زنان سرپرست خانوار و در نتیجه افزایش عزت نفس زنان سرپرست خانوار و تمایلات کارآفرینی آنها؛ طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۸)، تأکید بر مؤثر و مفید بودن دوره‌های آموزشی آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بر توانمندسازی زنان جویای کار تهرانی دارند؛ شفرد (۲۰۱۰) نیز تأکید بر آن دارد که تصمیم‌گیری افراد کارآفرین علاوه بر اینکه با ویژگی‌های شخصیتی آنها در ارتباط است، با موقعیت کسب و کار آنها نیز رابطه‌ی تنگاتنگی دارد، هماهنگ است.

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش، توانمندسازی شهروندان زن باسواد، فاقد مهارت و شغل ساکن در محدوده شهرداری منطقه چهار تهران بوده، آموزش‌های آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی، کارآفرینی، از یک سو، مبتنی بر افزایش دانش و مهارت‌های آنها برای کسب ایده‌های نو و ابتکار برای ایجاد کسب و کار می‌باشد ($\alpha=0/01$) تفکر خلاق، ($\alpha=0/03$) تفکر انتقادی) و از سوی دیگر ارتقاء مهارت‌های زندگی و اجتماعی آنها را به همراه داشته است

($\alpha=0/01$) خودآگاهی، ($\alpha=0/01$) داشتن هدف در زندگی، ($\alpha=0/03$) روابط بین فردی، ($\alpha=0/01$) تصمیم‌گیری، ($\alpha=0/04$) مشارکت و همکاری و ($\alpha=0/04$) شرکت در فعالیت‌هایی که منافع را بهبود می‌بخشد) که نتایج حاصل از پژوهش حاضر، بیانگر آن است. در عین حال که آماده‌سازی فردی و شغلی ($\alpha=0/01$) نیز جهت ورود به بازار کار برای شهروندان زن به وجود آمده است. نتایج حاصل از پژوهش نه تنها حاکی از آن است که این آموزش‌ها بر ارتقاء مهارت‌های کسب و کار، کارآفرینی و توانمندی‌های شهروندان زن ($\alpha=0/01$) مؤثر بوده، بلکه توانمندسازی آنان، در سه جنبه فردی، اجتماعی و اقتصادی افزایش یافته است.

شایان ذکر است که از ۱۰۰ نفر شهروندان زن شرکت‌کننده در برنامه‌ی آموزشی، ۲۵ درصد به طور موفقیت‌آمیز وارد بازار کار شده‌اند (برخی از آن‌ها در زمینه خود اشتغالی و راه‌اندازی کسب و کار کوچک برای خود موفق بوده‌اند و عده‌ای از آن‌ها در بخش مزدبگیری مشغول به کار شده‌اند) و برای ۷۵ درصد دیگر از زنان کلاس‌های مهارت‌آموزی مورد نیاز بازار کار مثل کامپیوتر و زبان که آن‌ها فاقد این مهارت‌ها بودند، توسط معاون محترم اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه چهار تهران در دو کارگاه آموزشی مجزا تشکیل گردید. علاوه بر این، ۱۲ شغل بومی برای شهروندان زن ساکن در محدوده شهرداری منطقه چهار تهران شناسایی شد. پیشنهاد می‌شود به‌منظور توانمندسازی، کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای زنان باسواد، فاقد مهارت و شغل این آموزش‌ها ترویج و توسعه یابد، به طوریکه زنان به آسانی بتوانند از توانمندسازی فردی، اجتماعی و اقتصادی خود در راستای اشتغال‌زایی بهره‌مند گردند.

منابع

- احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۰). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. تهران: شرکت پردیس ۵۷.
- آقاجانی، م. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه الزهرا.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۷۳). روانشناسی نوجوانان. چاپ چهارم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دفتر امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، (۱۳۷۲). نقش زنان در توسعه. تهران: انتشارات روشنگران.
- دفتر بین‌المللی کار. (۱۳۸۷). ارتقای کار شایسته از طریق کارآفرینی. انتشارات دفتر بین‌المللی کار، ژنو، ترجمه ش. طباطبایی. تهران: مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی.

سلبی، د. (۲۰۰۰). آموزش مهارت های زندگی. ترجمه گروه کارشناسان، تهیه شده برای دفتر یونیسیف در ایران، مؤسسه بین‌المللی آموزش جهانی، ص ۲۶۷-۲۷۰.

شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان در ایران. تهران: انتشارات هوا.

شفیع آبادی، ع. (۱۳۷۴). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. تهران: انتشارات رشد.

صابر، ف. (۱۳۸۱). راه‌های توسعه‌ی کارآفرینی زنان در ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

صافی، ا. (۱۳۷۹). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسط. تهران: انتشارات سمت.

صدر، ح. و همکاران. (۱۳۸۲). طرح پژوهشی «توانمندسازی زنان با تأکید بر برنامه رابطين بهداشت» استان اصفهان.

طباطبایی، ش. و حسینیان، س. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) بر عزت‌نفس زنان سرپرست‌خانوار «کانون مهر» به منظور آماده‌سازی آنان برای ورود به بازار کار، ماهنامه‌ی کار و جامعه، شماره ۵۶، دی ۱۳۸۳، مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، تهران.

طباطبایی، ش. و حسینیان، س. (۱۳۸۴). توانمندسازی زنان از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی. طرح مصوب مدیریت پژوهش مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی.

طباطبایی، ش. حسینیان، س. (۱۳۸۸). توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی. مجموعه مقالات دومین همایش جامعه /ایمن. شهرداری تهران.

فرخی راستابی، ز. (۱۳۸۲). چگونگی توانمندسازی زنان برای مشارکت در امر توسعه (با تأکید بر شهر اصفهان). فصلنامه پژوهشی زنان، شماره ۷.

مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). شاخص‌ها و نماگرهای نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

نصیری قیداری، ح. (۱۳۸۱). بسترسازی کارآفرینی، همت همگانی می‌طلبد. کارآفرینی، ماهنامه‌ی تخصصی بازاریابی، شماره ۲۲، دی ۱۳۸۱.

هارجی، ا؛ ساندروز، ک. و ریکسون، د. (۱۳۷۷). مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات میان‌فردی. ترجمه خ. بیگی و م. فیروزبخت. تهران: انتشارات رشد.

Baron, R.A. & Tang, J. (2009). Entrepreneurs' Social Skills and New Venture Performance. *Journal of Management*, 35.

- Blinder, A.S. (1987). *Hard Heads, Soft Hearts*. In Frank, N. Magill et al. Eds.(1997). International Encyclopedia of Economics, 2. Copyright Salem Press: London, Chicago.
- Blume, B.D. & Others. (2010). Transfer of Training: A Meta-Analytic Review. *Journal of Management*, 36.
- Botwin, C. & et.al. (1984). The Relation Between Quality of Life, Public: *Psychology*, 25.
- Boukhalife, N. (2008). *Business Development Services Support Project, Annual Progress Report*. Canadian International Development Agency. Association of Canadian Community Colleges and Emerging Markets Group Canada.
- Goupalo, O. (2002). *International Women Economic Empowerment Program in Winrock, Ukraine*.
- Iman, F.T.N. (1995). *Psychological Distress in Unemployed and Employed African-American Men in an Urban Environment*. Temple University. Dissertation Abstract International-B 56(06), P.3447. International Encyclopedia of Economics, Vol.2. Copyright Salem Press Inc: London, Chicago.
- Johnson, K. (1997). A Different Aspect of the Term Employment. Focus on Employment. *Journal of Psychology*, 9(1), 69-80.
- Pitman, & at al. (1991). *In fusing Real Life Skills*. Topics into Existing Curriculum. Eric No: Ed 432093
- Shepherd, D.A. (2010). Multilevel Entrepreneurship Research. *Journal of Management*, 38.
- Shower, & at al. (1997). Young People's Life Skills and the Future. The Scottish Concil for Research in Education. <http://www.Scrc.ac.Uk>.
- Tabatabaei, SH. (2003). *Study of Self-Esteem and Mental Health of Employed and Unemployed People in Relation to Their Employment Status in Iran*. Unpublished Ph.D. Thesis, Panjab University- Chandigarh, India.
- Werner, B. (2002). *An attributional theory of emotion and motivation*. New York: Springer – Veriag.
- World Health Organization. (1994). *The Development and Dissemination of Life Skills Education: An Overview*. Division of Mental Health. World Health Organization. Geneva.